اذعان شهید ثانی و محقق ثانی دومتخصص علم قرائات به اعلم بودن شهید اول و علامه در علم قرائات

من قبلاً از التمهید آوردم؛ در التمهید که اصلاً اسم نبردهاند. گفتهاند قرائت متواتر حفص است و خلاص. در فارسی آن که خلاصه التمهید است، در پاورقی این کتاب میگویند بله تازگی یک مصحفی به قرائت دیگری در یکی از بلاد چاپ شده است که همه مسلمین علیه آن اعتراض کردند و دیگر ورافتاد. از این معلوم میشود بعد از چند سال که فارسی کتاب التمهید بیرون می آمده تازه به گوش ایشان می خورده که در بخشی از بلاد اسلامی بهغیرازمصحف حفص هم هست. آن هم با یک تحاشیای میگویند که مسلمانان نگذاشتند بیاید. این برای سی سال پیش است. خب اگر ایشان مدتی در تونس و الجزائر زندگی میکردند که این را نمی فرمودند. وقتی اطلاع بیرونی پیدا شد که مصحف کل الجزائر ورش است و با مصحف حفص مقابله میکنند، قانون تصویب کردند، این را نمی فرمودند. یک آقای الجزائری میگفت در فرودگاه ساک من را باز کردند و مصحف حفص را برداشتند و ضبط کردند.

خب اگر الآن این مستندات محضر صاحب کتاب عرضه شود، برای ایشان کالشمس میشود. در سودان اصلاً حفص نبود. تازگی حفص آمده است. مصحف دوری خیلی رایج بوده و غالب بوده. مثلاً در تونس قالون بوده. قبلاً به گمانم این بود که در تونس هم ورش است، اما بعد دیدم با اینکه نزدیک هم هستند اما الآن مصحف رایج در تونس قالون است. لذا وقتی عثمان طه مصاحف را نوشت، برای همه این بلاد نوشت. عثمان طه ده مصحف نوشته است. یکی از آنها حفص است که در بلاد ما معروف است، دومی آنها برای ورش است. به گمانم سومی آن قالون بود. چهارمی آن ابوبکر شعبة بن عیاش بود. سوسی، دوری و ... . ده قرائت را نوشت. الآن در سایت مطبعه مصحف موجود است.

شاگرد: هر ده تا را سعودی چاپ کرده است؟

استاد: بله، در مطبعه رسمی عربستان این مصحف رایج را چاپ کردند به صورت مصحف مدینه. دنبال آن همه اینها هم چاپ شد. البته با تأنی. خود آنها هم تحاشی داشتند که بازتابش به چه صورت است. بعد که علماء و فقهای آنها دنبالش رفتند دیدند اصلاً یک چیز جا افتاده است. این جزری زرنگ بود؛ سبکی گفته بود هفت قرائت، رفته بود به او اعتراض کرده بود؛ شما فقیه و آگاه هستید، چرا هفت تا را میگویید؟ گفت من میخواستم متفق علیه را بگویم، و الا معلوم است که عشر متواتر است. به او گفت خب بنویس. برای سبکی یک استفتاء نوشت؛ سبکی مفتی مهم مصر بود، سبکی در جواب او نوشت تواتر عشر ضروری دین است. الآن تا زمانیکه النشر این جزری در دستها است، این استفتاء و جواب سبکی در آن موجود است که میگوید تواتر

عشر ضروری دین است.

آن وقت ما به این صورت هستیم که وقتی شهید اول از روی خبرویتش می‌گوید «لثبوت تواتر العشر»، می‌گوییم سهو القلم کرده است! او در آن زمان می‌گوید ضروری است. شهید کمی جلوتر از سبکی بود. ای شاید هم معاصر بودند.

در این هفته ای که گذشت جلسه‌ای بود، مطالبی را فرمودند و من خلاصه‌ای از بحث‌ها را عرض کردم. از جملاتی که در آن جلسه گفتم این بود: گفتم از شیخ جعفر کاشف الغطاء معروف است که کسی در فقه، فقیه نشده مگر من، شهید اول و پسرم موسی. ایشان با این عبارتشان در طول تاریخ فقها برای شهید اول شبهه اعلمیت آورده‌اند.

شاگرد: از شیخ الشریعه اصفهانی هم نقل شده که اعلم علماء شیعه شهید هستند.

استاد: ببینید شهید این جور کسی است.

ما حدود هشت سال است که داریم مباحثه می‌کنیم؛ در آن جلسه من این را عرض کردم؛ اگر بخواهیم حاصل مباحثه هشت ساله را در یک جمله خلاصه کنیم این جمله است؛ در تقلید در تعیین الاعلم و فالاعلم خودتان اقدام می‌کنید یا به خبره مراجعه می‌کنید؟ عموم مردم وقتی بخواهند بگویند آن مرجع اعلم است و دیگری فالاعلم است، به چه کسی مراجعه می‌کنند؟ به خودشان مراجعه می‌کنند؟ نه، به خبره مراجعه می‌کنند و خبره می‌گوید اعلم آن است و دیگری فالاعلم است. گفتم حاصل مباحثه ما این است: اعلم فقهای شیعه در علم قرائات شهید اول است. فالاعلم فقهای شیعه در علم قرائات علامه حلی هستند. خب این را از کجا می‌گویید؟ ما که خبره کار نیستیم. می‌گوییم ما به خبره مراجعه می‌کنیم. خبره این فن که الاعلم و فالاعلم را تعیین کنند، دو نفر بودند. شهید ثانی و محقق ثانی. چرا این‌ها خبره هستند؟ یعنی دیگران خبره نیستند؟ نه. این دو نفر خودشان می‌گویند ما این درس را خوانده‌ایم. شهید ثانی می‌گوید من کلاس رفته‌ام. یعنی خبره کسی است که کلاس رفته و مطلب دستش است. او می‌تواند بگوید چه کسی درست می‌گوید. پس سائرینی که کلاس نرفته‌اند خبره اینکه بگویند اعلم و فالاعلم چه کسی است، نیستند.

خب این دو بزرگوار چه کار کردند؟ وقتی نزاع شد، گفتند «بعض اصحابنا منعوا من العشر اما الشهید الاول اثبت تواتر العشر» و بعد فرمودند: «و هو الاصح». هم محقق ثانی قول شهید را ترجیح دادند و هم شهید ثانی. یعنی در مقامی که می‌خواستند بگویند اعلم ایشان است یا کسی که از عشر منع می‌کند، شهید را اعلم دانستند.

این به‌عنوان خلاصه مباحثه خوب است. مباحثه‌ای است که چندین سال طول کشیده، می‌گوییم اعلم را فهمیدیم، فالاعلم را هم فهمیدیم. خب خبره این تشخیص چه کسی است؟ خبره آن این دو بزرگوار هستند؛ شهید ثانی و محقق ثانی.

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 14:16:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 13:11:15 توسط ... .